فلسفه و اهمیت آن

شماره پرسش: ۱۷۲۰

تاریخ ارسال پرسش: ۰۵:۰۰:۰۰ ۱۳۹۱/۱/۱۶

متن پرسش

با سلام مقدار حجیت سخنان فلاسفه و عرفا چقدر می باشد؟ مثلا اگر فلسفه بسیار کمک می کند در دین شناسی چرا بین خود فلاسفه این همه اختلاف هست که یکی اصالت وجودی می شود و دیگری اصالت ماهیتی؟ شاید گفته شود که جناب ملاصدرا با دقت عقلی و صرافت قلبی این امور را مطرح کرده و عقل آنها را قبول می کند اما این سوال باز می شود که در زمان خود شیخ اشراق هم که اصالت ماهیتی بود به حرف خودش اعتقاد داشت و استدلال هم میکرد و لذا چه بسا در دوره دیگری هم اصالت وجود خدشه پیدا کند چنانچه که همین الان هم بین فلاسفه وجودی بر سر تفسیر اصالت وجود اختلافات فاحش و بعضا متناقضی دیده می شود. خلاصه اینکه با چه توجیهی باید وقت بر روی فلسفه گذاشت و چگونه باید از آن استفاده کرد که تا حد قابل قبولی مطمئن باشیم فلسفه به دین شناسی و دین داری ما کمک می کند و خدایی نکرده طوری نشود که بعد از عمری تلاش فلسفی سخن ملاصدرا را بر زبان جاری کنیم که اگر بیش از آنکه بر روی فلسفه وقت میگذاشتم بر روی قرآن وقت می گذاشتم نکات نابتر و بهتری گیرم می آمد/ باتشکر فراوان

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام البته در مورد هر علمی باید این دغدغه را داشت که آیا مسیر صحیحی را در جلو ما باز می‌کند یا نه؟ و از جمله فلسفه ، و هر علمی با تدبّر بیشتر علماء آن علم به سوی کمال خود پیش می‌رود، اعم از فلسفه و فقه و تفسیر و همین‌طور که نمی‌توان گفت چون فقها با همدیگر اختلاف دارند پس باید فقه را کنار گذاشت، نمی‌توان گفت اختلاف فلاسفه دلیل بر عدم اهمیت فلسفه است.

اصل فلسفه چیزی نیست جز رجوع به حقیقت و در مسیر خود تا آن‌جا جلو آمده که به حکمت متعالیه رسیده که نظر به وجود دارد ، نظر به وجود از آن جهت که تشکیکی است و این اوج کمال یک اندیشه است که متوجه وجود است از آن جهت که خارجیت دارد زیرا مفهوم وجود تشکیکی نیست و حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌علیه» با توجه به همین امر نظر به حکمت صدرایی دارند که مقابل روح غربی یا سوبژکتیویته است، سوبژکتیویته ای که نظر به ذهن انسان دارد و نه حقیقت خارجی و همین‌طور که نمی‌توان گفت؛ انقلاب اسلامی به چه دردی می‌خورد، چون انقلاب اسلامی یک نوع فتح تاریخی است برای حضور اسلام در دوران جدید، نمی‌توان گفت حکمت صدرایی به چه درد می‌خورد زیرا حکمت صدرایی یک نوع فتح تاریخی است، درست در زمانی که مستشرقین اروپایی با فرهنگ حسّی خود وارد دربار صفویه شدند تا حکومت شیعی را تحت تأثیر قرار دهند و ملاصدرا متوجه شد

راه نجات تفکر شیعی نظر به اصالت وجود است تا تاریخی که شروع شده است ادامه یابد. بنده به طور مفصل این موضوع را در سلسله مباحث «سلوک در ذیل اندیشه‌ی حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌علیه» بحث کرده‌ام. مباحث بر روی سایت هست می‌توانید به آن‌ها رجوع فرمایید.. به گفته‌ی مقام معظم رهبری«حفظه‌الله» پایه‌های علم هم بر فلسفه است، فلسفه نباشد علم وجود ندارد. اگر استنتاج فلسفی نباشد اصلاً علم می‌شود بی‌معنا»(سخنان رهبری«حفظه‌الله» در بین دانشگاهیان در تاریخ ۱۴/۶/۱۳۸۹) مسلّم هر تمدنی با فلسفه‌ای که دنبال می‌کند آینده‌ی خود را شکل می‌دهد، ما هم اگر خواستیم تمدن اسلامی داشته باشیم باید فلسفه‌مان را به صورتی کاملاً کاربردی تدوین کنیم. این‌هایی که می‌گویند فلسفه می‌خواهیم چه کار، این‌ها خواسته و یا ناخواسته مقابل تحقق تمدن اسلامی ایستاده‌اند و غرب را تثبیت می‌کنند، چون دو نگاه فلسفی بیشتر نداریم، یک نگاه که به مفاهیم و ذهنیات و اعتباریات رجوع دارد و یک نگاه که به وجود و حقیقت نظر می‌کند. در ضمن در قسمت پاسخ به سؤالات برگزیده در کد شماره‌ی ۲۱۱ نیز عرایضی داشته‌ام . موفق باشید